

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> 10.22034/ravanshenasi.2025.5001414 20.1001.1.20081782.1404.18.3.5.4

A Process Model of Future-Oriented Thinking in Adolescents Aged 12-16 Based on Grounded Theory

Navid Khakbazan / Assistant Professor, Department of Psychology, University of Religions and Denominations
n.khakbazan@urd.ac.ir

 Milad Shabani / MA in Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute

Received: 2025/01/06 - Accepted: 2025/05/17

milad.shabanipsy@gmail.com

Abstract

This qualitative study aimed to identify the psychological components influencing the formation of future-oriented thinking in adolescents and to develop a process model using a grounded theory methodology, following the systematic approach of Strauss and Corbin. Data were collected through semi-structured interviews with 17 adolescents aged 12-16 at cultural centers in Qom. Participants were selected via theoretical sampling until theoretical saturation was achieved. Data analysis proceeded through open, axial, and selective coding phases, with the validity of findings established through member checking and peer audit. The results indicated that future-oriented thinking is shaped by three categories of factors: interactive (environmental role, lived experiences, needs), cognitive (cognitive capabilities, beliefs), and motivational (motives, preferences, criteria, values). The core category emerging from the analysis was "aspiration." The resulting paradigm model provides a coherent framework, outlining causal conditions (values, needs, motivations), contextual conditions (environment, lived experiences), intervening conditions (cognitive capabilities, beliefs), strategies (planning), and consequences (realization of motives, need fulfillment). This model can serve as a foundation for educational and clinical interventions focused on future orientation during adolescence.

Keywords: future-oriented thinking, Grounded Theory, aspiration, adolescence, process model.

مدل فرایندی تفکر آینده‌نگر در نوجوانان ۱۲-۱۶ ساله بر پایه نظریه داده‌بنیاد

n.khakbazan@urd.ac.ir

milad.shabanipsy@gmail.com

نوید خاکبازان / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب

✉ میلاد شعبانی / کارشناس ارشد روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های روان‌شناختی تأثیرگذار بر شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر در نوجوانان و تدوین مدلی فرایندی در چارچوب نظریه داده‌بنیاد انجام شد. این مطالعه از نوع کیفی بوده و با استفاده از رویکرد نظام‌مند استراوس و کوربین طراحی گردید. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۷ نوجوان ۱۲-۱۶ ساله در بستر کانون‌های فرهنگی قم گردآوری شد. مشارکت‌کنندگان با روش نمونه‌گیری نظریه‌ای و بر اساس اصل اشباع نظری انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد و اعتبار یافته‌ها از طریق تطبیق با اعضا و ممیزی توسط همکاران تأیید گردید. نتایج نشان داد تفکر آینده‌نگر بر پایه سه دسته عامل شکل می‌گیرد: عوامل تعاملی (نقش محیط، تجارب زیسته، نیازها)، عوامل شناختی (توانمندی‌های شناختی، باورها) و عوامل انگیزشی (انگیزه‌ها و تمایلات، ملاک‌ها و ارزش‌ها). مقوله «آرزومداری» به‌عنوان پدیده مرکزی (مقوله هسته) در مدل استخراج شد. مدل پارادایمی حاصل، با ترسیم شرایط علی (ارزش‌ها و ملاک‌ها، نیازها و انگیزه‌ها)، زمینه‌ای (محیط و تجارب زیسته)، واسطه‌ای (توانمندی‌های شناختی باورها)، راهبرد (برنامه‌ریزی) و پیامدهای روان‌شناختی (تحقق انگیزه‌ها و برآورده شدن نیازها)، چارچوبی منسجم برای فهم سازوکارهای تفکر آینده‌نگر در نوجوانان ارائه می‌دهد. این مدل می‌تواند زمینه‌ساز مداخلات آموزشی و بالینی مبتنی بر آینده‌نگری در دوره نوجوانی باشد.

کلیدواژه‌ها: تفکر آینده‌نگر، نظریه داده‌بنیاد، آرزومداری، نوجوانی، مدل فرایندی.

در تاریخ روان‌شناسی برخی روان‌شناسان، تحول آدمی را در گذشته او جست‌وجو می‌کنند و بر این باورند که انسان‌ها مقهور در گذشته خویش بوده و تمام رفتارها و کنش‌های امروزی آنها حاصل گذشته‌شان می‌باشد (فیست و فیست، ۱۳۹۰). در مقابل برخی روان‌شناسان معتقدند بخشی از شخصیت آدمی در ارتباط با آینده شکل گرفته یا تکمیل می‌شود؛ از آن جمله می‌توان به رویکرد انسان‌گراها در شخصیت اشاره نمود. در میان رویکردهای روان‌درمانی نیز برخی درمانگران وجهی از دغدغه بیماران روانی را در آینده آنان جست‌وجو می‌کنند؛ همچون رویکرد شناختی رفتاری در روان‌انگاری (رفیعی هنر، ۱۳۹۷). مطالعات متعددی در روان‌شناسی نیز نشان می‌دهد که بسیاری از اندیشه‌های روزمره انسان مربوط به آینده خویش است و از همین رو مفهوم تفکر آینده‌نگر از موضوعات مهم در روان‌شناسی محسوب می‌شود (Suddendorf & Corballis, 1997).

«تفکر آینده‌نگر» (future thinking) یکی از توانایی‌های شناختی جدایی‌ناپذیر انسان است که به تازگی مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته (Acar & Kaya, 2024) و به ادعای پژوهشگران مختلف (Frederick, 2003) به‌عنوان یک خصیصه منحصر به فرد انسانی نقش مهمی در شکل‌دهی رفتار کنونی افراد می‌تواند ایفا کند. این نوع تفکر زمانی (Time-based thinking) که یک عملیات شناختی در لحظه حاضر است (Osvath & Martin-Ordas, 2014)، نقش حیاتی در فعالیت‌های شناختی پیچیده همچون برنامه‌ریزی، رسیدن به اهداف، حافظه آینده‌نگر، تصمیم‌گیری، تنظیم هیجانات، خودمهارگری و به تعویق انداختن ارضای نیاز ایفا می‌کند (ارگمبیو و مسی، ۲۰۱۱).

از نگاه روان‌شناسان اگرچه آینده غیر قابل پیش‌بینی است، اما افراد می‌توانند حالات بالقوه آینده را در ذهن خود شبیه‌سازی کرده (Addis, Wong & Schacter, 2008; Szpunar, 2010) و عواقب احتمالی اعمال خود را قبل از اقدام در نظر بگیرند (Boyer, 2008). بنابراین تفکر آینده‌نگر توانایی تصویرسازی ذهنی از حوادث و رویدادهای احتمالی آینده (Addis, Wong & Schacter, 2008) یا توانایی فرد در تصویرسازی خلاقانه از احتمالات فرضی آینده است (Argembeau & et al, 2010) که به فرد کمک می‌کند پیامدهای احتمالی یک فعالیت را قبل از انجام آن در نظر بگیرد و فراتر از نیازهای فعلی قدم بردارد و با سهولت و اطمینان بیشتری به هدف خود دست یابد (Boyer, 2008).

مفهوم‌پردازی تفکر آینده‌نگر در روان‌شناسی، ریشه در کارهای اولیه برخی روان‌شناسان مانند فرانک (۱۹۳۹)، اسرائیلی (۱۹۳۰، ۱۹۳۶) و لوین (۱۹۳۹، ۱۹۴۲) دارد که با استفاده از اصطلاحات غیرمشابه («چشم‌انداز زمان» توسط فرانک، «آینده روان‌شناختی» توسط لوین، و اصطلاحات مختلف مانند «چشم‌انداز آینده»، «روان‌شناسی آینده‌نگرانه» و «نقشه‌های آینده» توسط اسرائیلی) به آن اشاره کرده‌اند. همه پژوهش‌های مذکور، نقش تنظیم‌کننده آینده‌نگری را مد نظر قرار داده‌اند. بالین حال، درحالی که تحلیل‌های فرانک و اسرائیلی از کارکرد تنظیم‌کنندگی آینده‌نگری صرفاً نظری بود، لوین (۱۹۴۲) این گزاره را در آزمایش‌هایی که چشم‌انداز زمان را به عملکرد و انگیزه مرتبط می‌کند، آزمایش کرد.

پژوهشگران، تفکر آینده‌نگر را در چارچوب‌های مفهومی مختلفی مطرح کرده‌اند. نورمی (۱۹۹۱) مدل مفهومی تفکر آینده‌نگر را دارای سه فرایند می‌داند که عبارت‌اند از: انگیزه، برنامه‌ریزی و ارزیابی. انگیزه، علاقه‌ای است که از طریق توجه کردن به اهداف مشخص می‌شود. برنامه‌ریزی به برنامه‌ها و فعالیت‌هایی گفته می‌شود که فرد برای رسیدن به اهداف خویش به کار می‌برد و ارزیابی به پیش‌بینی فرد نسبت به دستیابی به اهداف مورد نظر اشاره دارد مانند خوش‌بینی. بنابراین مدل مفهومی نورمی در درجهٔ اول به بازنمایی ذهنی وقایع پیش‌بینی‌شده مربوط می‌شود (Nurmi, 1989; 1991).

سگینر (۲۰۲۳) مدل نظری سه مؤلفه‌ای را برای تفکر آینده‌نگر، پیشنهاد می‌دهد و معتقد است تفکر آینده‌نگر مشتمل بر سه مؤلفهٔ شناختی، انگیزشی و رفتاری می‌باشد. مؤلفهٔ انگیزشی چهار متغیر را دربر می‌گیرد: ارزش حوزه‌های زندگی آینده، انتظار برای رسیدن به هدف، انتساب کنترل داخلی (توانایی و تلاش) به هدف احتمالی و تأثیر مثبت بر اهداف مرتبط با حوزه‌های مختلف. مؤلفهٔ شناختی نیز از ترکیب حوزه‌های مختلف زندگی (به‌عنوان مثال شغل، تحصیل و...) به وجود می‌آید و توضیح می‌دهد که فرد چه مقدار به آیندهٔ خود از نظر حوزه‌های مختلف فکر می‌کند و نحوهٔ ارتباط فرد با این حوزه‌ها چگونه است. مؤلفهٔ رفتاری شامل دو متغیر است: جست‌وجوی گزینه‌های آینده با راهنمایی، جمع‌آوری اطلاعات و بررسی مناسب بودن آنها و متعهد شدن به یک گزینهٔ خاص (Seginer, 2000; 2005; 2023).

یکی دیگر از چارچوب‌های مفهومی تفکر آینده‌نگر، مدلی است که توسط جانسون، بلوم و چنگ (۲۰۱۴) مطرح شده است. آنها تلاش کردند تعاریف مفهومی و عملیاتی قبلی را در یک چارچوب مفهومی همه‌جانبه تلفیق کنند که می‌تواند برنامه‌ها، خدمات و ارزیابی تفکر آینده‌نگر به‌عنوان یک هدف برای مداخله در نظر بگیرد. مدل پیشنهادی جانسون و دیگران یک مدل سه جزئی است که مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از: انتظارات، آرزوها و برنامه‌ریزی. انتظارات افکار شخص در مورد آینده را دربر می‌گیرد (به‌عنوان مثال خوش‌بینی)؛ درحالی‌که آرزوها، اهداف و خواسته‌های فرد برای آینده را شامل می‌شود (به‌عنوان مثال خودهای ممکن). برنامه‌ریزی شامل آگاهی و توانایی فرد در ایجاد یک برنامهٔ عملیاتی برای دستیابی به اهداف خود است. به‌طور خاص، این مدل شامل یک محور افقی است که نشان می‌دهد جهت‌گیری آینده در طول عمر (زمان) توسعه می‌یابد و تحت تأثیر تجربیات اولیه است؛ همچنین شامل یک محور عمودی است که نشان می‌دهد آینده‌نگری تحت تأثیر ویژگی‌های فردی (صلاحیت‌ها) و همچنین عوامل محیطی (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) قرار دارد.

از نگاه پترسون و سلیگمن (۲۰۰۴)، تفکر آینده‌نگر یک جهت‌گیری شناختی به آیندهٔ فردی در یک چارچوب استدلال عملی و خودکنترلی است که به افراد در جهت رسیدن به اهداف دوردست‌شان (یعنی اهداف بلندمدت‌شان) کمک‌های مؤثری می‌کند. افراد آینده‌نگر، به‌طور حساب‌شده و دوراندیشانه به عواقب تصمیمات و اعمال‌شان توجه می‌کنند و اهداف بلندمدت را برای رسیدن به لذت‌های کوتاه‌مدت قربانی نمی‌کنند و در ذهنشان آنچه را که در مجموع بیشترین رضایت

را به دنبال خواهد داشت، نگه می‌دارند. پس به‌طور ضمنی آینده‌نگری یکی از جنبه‌های مهم شخصیت است که ما را به انجام رفتار در راه صحیح سوق می‌دهد (Peterson & Seligman, 2004, p435).

عده‌ای از پژوهشگران نیز تفکر آینده‌نگر را دربردارنده مؤلفه‌هایی می‌دانند که به افراد کمک می‌کند تا آینده را با دقت بیشتر پیش‌بینی کرده و برای آن برنامه‌ریزی کنند. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها، تصور آینده (future imagery) است که به توانایی فرد برای تجسم رویدادهای آینده و احساسات مرتبط با آن اشاره دارد. این توانایی می‌تواند انگیزش لازم برای دنبال کردن اهداف را تقویت کند (Suhendar, Widodo, Solihat & Riandi, 2025). پیش‌بینی (predicting) نیز بخش دیگری از تفکر آینده‌نگر است که به فرد این امکان را می‌دهد تا پیامدهای احتمالی اقدامات خود را پیش‌بینی کرده و تصمیمات خود را بر اساس آن تنظیم کند (Hallford & D'Armentau, 2022). همچنین پیش‌نگری (anticipating) به‌معنای آماده‌سازی برای شرایط و رویدادهای آینده است که می‌تواند احساس کنترل و اطمینان را در فرد تقویت کند. در نهایت، ارزیابی (evaluating) یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم است که به فرد اجازه می‌دهد گزینه‌ها و پیامدهای مختلف را بررسی کرده و بهترین تصمیم را اتخاذ کند (Gott & Lah, 2014).

برخی پژوهش‌ها نیز با رویکردی تحولی به تفکر آینده‌نگر پرداختند. تعدادی از مطالعات تحولی نشان می‌دهند که شناخت آینده‌نگر در اوایل دوران کودکی پدیدار می‌شوند و رشد می‌کنند (Atance & O'Neill, 2001). برخی پژوهش‌ها نیز بیانگر آن است که دوران نوجوانی آغاز شکوفایی تفکر آینده‌نگر می‌باشد (Busby & Suddendorf, 2005). دوران نوجوانی مرحله‌ای حیاتی از رشد است که با شکل‌گیری هویت، تحولات عاطفی و تعیین اهداف بلندمدت زندگی همراه است. یکی از مهم‌ترین وظایف رشدی در این مرحله، ساخت تفکر آینده است. توانایی نوجوانان در تصور و تلاش برای آینده‌ای معنادار، پیامدهای عمیقی بر سلامت روان، تصمیم‌گیری، موفقیت تحصیلی و رضایت کلی از زندگی آنها دارد (Silva, et al., 2024). تفکر آینده‌نگر نه‌تنها تحت تأثیر فرایندهای شناختی و عاطفی درونی، بلکه توسط بافت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زندگی نوجوانان شکل می‌گیرد (Safta & Suditu, 2024; Arinata, 2023). از همین رو در سال‌های اخیر، تحقیقات درباره تفکر آینده‌نگر نوجوانان در پاسخ به نگرانی‌های جهانی درباره بیکاری، عدم مشارکت آموزشی و چالش‌های سلامت روان گسترش یافته است (Manzanilla et al., 2024).

محیط خانواده، تأثیر همسالان (Nurfazriah, et al., 2024)، فضای دیجیتال و پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی (Du, 2024)، ظرفیت‌های شناختی و عاطفی (Seftina, Aji & Nisa, 2024) و محیط جامعه (Gray, 2024)، از جمله عواملی است که به‌صورت کلی در شکل‌گیری نگرش افراد نسبت به آینده‌شان اشاره شده است.

علی‌رغم رشد ادبیات در مورد تفکر آینده‌نگر، هنوز نیاز به کاوش عمیق و کیفی درباره چگونگی تجربه، معناسازی و شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر در نوجوانان وجود دارد. آن گونه که محقق جست‌وجو کرده است، بخش زیادی از تحقیقات موجود بر نظرسنجی‌های کمی یا مطالعات مداخله‌ای تکیه کرده‌اند که اغلب از نگرش‌های شکل‌دهنده تفکر آینده‌نگر

نوجوانان غفلت می‌کنند (Andrin & Akmal, 2019). به‌ویژه در بافت‌های فرهنگی که هنجارهای فرهنگی و ساختارهای اجتماعی به‌طور گسترده‌ای متفاوت هستند، عوامل تشکیل‌دهنده نگرش نوجوانان درباره آینده در گفتمان علمی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است (Panhintacuna, P., et al., 2023). بنابراین پژوهشی کیفی برای ثبت تجارب زیسته، آرزوها و چالش‌های نوجوانانی که آینده‌های متفاوتی را در ذهن می‌پروراند و مسیر متفاوتی را برای دستیابی به این تفکر پشت‌سر می‌گذارند، جهت شناسایی عوامل شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر در نوجوانی ضروری است. این مطالعه می‌کوشد این خلأ را با شناسایی و تحلیل عوامل روان‌شناختی تأثیرگذار بر تفکر آینده‌نگر نوجوانان از طریق روش‌شناسی کیفی و با استفاده از مصاحبه‌های عمیق با نوجوانان در شهر قم پوشش دهد و تبیینی نظام‌مند از عوامل مختلف تأثیرگذار در شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر نوجوانان ارائه نماید.

روش پژوهش

با توجه به هدف اصلی این پژوهش که ارائه الگوی روان‌شناختی شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر می‌باشد، این پژوهش در قالب یک طرح تحقیق کیفی و روش نظریه داده‌بنیاد (grounded theory) صورت گرفت. نظریه داده‌بنیاد یک طرح پژوهش کیفی است که در آن پژوهشگر نوعی تبیین کلی از یک فرایند، اقدام، یا تعامل ارائه می‌دهد که حاصل دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان است (Strauss & Corbin, 1998). بنابراین طرح نظریه داده‌بنیاد به ما امکان می‌دهد تا نظریه گسترده‌ای درباره پدیده کیفی که در زمینه و بافت اطلاعات وجود دارد، ایجاد کنیم (لطف‌آبادی، ۱۳۸۸). از آنجاکه ادبیات پژوهشی پیشین به‌طور مستقیم به عوامل شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر در نوجوانی نپرداخته است، روش داده‌بنیاد به دلیل ماهیت اکتشافی و انعطاف‌پذیر خود برای هدف پژوهش مناسب تشخیص داده شد. مشارکت‌کنندگان پژوهش نوجوانان ۱۲-۱۶ ساله‌ای بودند که در کانون فرهنگی هنری استان قم فعالیت داشتند. این نوجوانان با استفاده از نمونه‌گیری نظریه‌ای (theoretical sampling) انتخاب شدند؛ بدین معنا که انتخاب آنها بر مبنای قدرت اطلاع‌دهندگی و ظرفیتشان برای غنی‌سازی مقوله‌ها و مفاهیم نظری صورت گرفت، نه بر اساس تصادف یا نمایندگی آماری. نمونه‌گیری نظریه‌ای به پژوهشگر امکان می‌دهد تا با توجه به پیشرفت تحلیل داده‌ها، به شناسایی و نمونه‌گیری از افرادی بپردازد که اطلاعات آنها می‌تواند به توسعه و تقویت نظریه کمک کند و نمونه‌گیری تا زمان رسیدن به اشباع نظری (saturation theoretical) ادامه می‌یابد. مطابق با این اصل، زمانی که محقق به این نتیجه برسد که انجام مصاحبه‌های بیشتر، باعث دستیابی به اطلاعات جدیدی نشده و صرفاً منجر به تکرار اطلاعات قبلی خواهد شد، مصاحبه را متوقف می‌کند (Strauss & Corbin, 1998). در این پژوهش، با تحلیل مصاحبه پانزدهم، اشباع نظری حاصل شد و نمونه‌گیری با ۱۷ نفر خاتمه یافت. از این میان، داده‌های ۱۴ مشارکت‌کننده که به‌طور کامل در مراحل پژوهش باقی ماندند، وارد تحلیل شدند. برای کسب رضایت و همکاری در پژوهش با والدین‌شان صحبت‌های اولیه صورت گرفت و مسائل اخلاقی از قبیل حق انصراف از فرایند پژوهش، رعایت اصل رازداری و مشارکت با رضایت آگاهانه به اطلاع آنها رسید.

برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بازپاسخ استفاده شد. در این نوع مصاحبه، سؤالاتی باز و قابل گسترش از مشارکت‌کنندگان پرسیده می‌شود که امکان تعمیق پاسخ‌ها و کشف مفاهیم جدید را فراهم می‌سازد. سؤالات مصاحبه با توجه به اهداف پژوهش طراحی و در جریان فرایند جمع‌آوری داده‌ها متناسب با واکنش‌های مشارکت‌کنندگان اصلاح و تکمیل شدند. هر مصاحبه حدود ۶۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید و تمامی مصاحبه‌ها با اجازه مشارکت‌کنندگان ضبط، پیاده‌سازی و آماده تحلیل شدند. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته امکان انعطاف در بررسی و شفاف‌سازی پاسخ‌های شرکت‌کنندگان را فراهم کرد. نمونه‌ای از سؤالاتی که در مصاحبه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت عبارت‌اند از: «به آینده فکر می‌کنی؟ این تفکر چه نتیجه‌ای برایت داشته است؟ آیا می‌توانید به من بگویید که شما چگونه آینده را تصور می‌کنید؟ چه چیزی باعث شد که توجه به آینده برایتان مهم شود؟ چه کسانی آینده برایشان مهم‌تر است؟ چه چیزهایی باعث می‌شود که ما در گذشته خود غرق بشویم؟ می‌توانی یک موقعیت که در آن به آینده فکر کردی را با پیامدش بگویی؟ چطور می‌شه که بعضی افراد وقتی می‌خواهند کاری انجام بدهند به عاقبتش فکر می‌کنند؟».

مصاحبه‌ها به صورت تحت‌اللفظی رونویسی شده و اطلاعاتی مانند نام‌ها یا مکان‌ها حذف شدند؛ سپس برای تحلیل داده‌ها از روش سه مرحله‌ای کدگذاری باز (open coding)، کدگذاری محوری (axial coding) و کدگذاری انتخابی (selective coding) استفاده شد.

برای کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها بارها بازخوانی و مفاهیم اصلی استخراج شده و به صورت کد ثبت گردید؛ سپس کدهای مشابه در دسته‌هایی قرار گرفتند. بدین ترتیب در مرحله اول کدگذاری داده‌ها، ۷۸ کد باز ساخته شد. سطح بعدی تجزیه و تحلیل داده‌ها، کدگذاری محوری است که هدف از آن سازماندهی کدهای اولیه و شناسایی مقوله‌های کلیدی و سپس مرتبط‌سازی مقوله‌ها و مفاهیم با یکدیگر است. بنابراین با استفاده از معنادارترین یا فراوان‌ترین کدهای باز، غربال کردن و تقلیل تعداد نسبتاً زیاد کدهای مفهومی که در مرحله کدگذاری باز تولید شده بودند، انجام گرفت. بدین ترتیب، دسته‌های اولیه‌ای که در مرحله کدگذاری باز به وجود آمدند، حول محورهای مشترکی قرار داده شدند؛ در نتیجه ۷ کد محوری شناسایی و مشخص گردید.

در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی، مقولات روند یکپارچه‌سازی را طی کردند. در این مرحله باید نگاهی عمیق به داده‌ها انداخته می‌شد تا مقوله هسته‌ای یا روح حاکم بر اظهارات نوجوانان در مورد شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر استخراج می‌گشت. بنابراین از بین مقوله‌های عمده یک مقوله که بهتر از بقیه می‌توانست به عنوان هسته چارچوب نظری یافته‌های پژوهش نقش ایفا کند، انتخاب شد. علت انتخاب این مقوله هسته‌ای اهمیتی بود که مشارکت‌کنندگان برای آن قائل بودند. پس از آن با توجه به ارتباطاتی که میان مقوله‌ها وجود داشت تمام مقوله‌ها در سه طبقه کلی‌تر شامل عوامل انگیزشی، شناختی و تعاملی، حول مقوله هسته طبقه‌بندی شدند.

برای ارزیابی اعتبار و روایی داده‌ها از سه راهبرد متداول در پژوهش‌های کیفی استفاده شد که در ادامه به آنها اشاره شده است (Silverman, 2005).

۱. اعتباریابی توسط اعضا (member checking): یافته‌های اولیه با برخی مشارکت‌کنندگان به اشتراک گذاشته شد تا صحت و دقت تحلیل‌ها تأیید شود؛
 ۲. ممیزی هم‌تا (peer debriefing): مراحل کدگذاری و استخراج مفاهیم توسط دو پژوهشگر متخصص مورد بازبینی قرار گرفت؛
 ۳. مقایسه تحلیلی مستمر: در تمام مراحل، یافته‌ها با داده‌های خام مقایسه شدند تا یکپارچگی و همخوانی میان داده‌ها و مفاهیم تضمین شود.
- در مجموع، رویکرد نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد با تأکید بر فرایند استقرایی و تعامل مداوم با داده‌ها، بستری مناسب برای استخراج مدلی از فرایند شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر در نوجوانان فراهم ساخت.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در بیان مسئله بیان شد، پرسش اصلی این پژوهش این است که چگونه می‌توان شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر در نوجوانان را تبیین نمود؟ در این راستا دو زیر پرسش اساسی مطرح شدند: چه عواملی در بروز و ظهور تفکر آینده‌نگر نقش دارد؟ این عوامل و مؤلفه‌ها چگونه به هم ارتباط پیدا می‌کنند؟ یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در این بخش پژوهش در راستای پاسخ به سؤال‌های پژوهش ارائه می‌شوند.

همان‌طور که گفته شد برای تحلیل داده‌ها بر اساس طرح نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد، سه نوع کدگذاری شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد. بدین ترتیب که کدهای مفهومی استخراج شده و مقوله‌های کلی از تلخیص این مفاهیم تشکیل شد و در مجموع ۳۰ کد باز به دست آمد؛ سپس در مرحله کدگذاری محوری به وسیله مقایسه مقوله‌ها، مقوله‌های مشابه ادغام و مقوله‌های مرتبط حول محور واحد قرار داده شدند؛ و بالاخره برای کشف رابطه نهفته بین این مقوله‌های تشکیل‌دهنده تفکر آینده‌نگر، کدگذاری انتخابی انجام شد. طبق نظریه داده‌بنیاد در مرحله کدگذاری انتخابی، به منظور طراحی الگوی پارادایمی، یکی از مقوله‌ها به عنوان مقوله هسته‌ای در فرایند مورد مطالعه تعیین شده و سایر مقوله‌ها در ارتباط با آن مطرح می‌گردند.

الگوی پارادایمی در نظریه داده‌بنیاد شامل شش مؤلفه است که از طریق آنها می‌توان داده را به روشی نظام‌مند به صورت پیچیده‌ای با یکدیگر مرتبط و مطرح کرد. مؤلفه‌های الگوی پارادایمی عبارت‌اند از:

۱. شرایط علی: شرایط به وجودآورنده مقوله هسته‌ای؛
۲. مقوله هسته‌ای: حادثه یا اتفاقی که کنش‌های متقابل به کنترل و اداره آن معطوف می‌گردد؛
۳. شرایط زمینه‌ای: شرایط بسترساز خاص مؤثر در راهبردها؛
۴. شرایط واسطه‌ای: شرایط بسترساز عام مؤثر در راهبردها؛
۵. راهبردها: کنش‌های متقابل که به کنترل و اداره مقوله اصلی معطوف می‌گردد؛
۶. پیامدها: رهاورد به کار بستن راهبردها (Strauss & Corbin, 1998).

در مرحله کدگذاری انتخابی از بین مقوله‌های عمده، مقوله «آرزومداری» به عنوان مقوله هسته‌ای در تبیین تفکر آینده‌نگر نوجوانان انتخاب شد و مقوله‌های عمده دیگر در قالب ۵ مؤلفه دیگر الگوی پارادایمی در ارتباط با این مقوله هسته‌ای و تفکرات آینده‌محورانه حاصل در یک مدل نظری به یکدیگر مربوط گشتند. بر این اساس در این بخش ابتدا به معرفی مقوله آرزومداری پرداخته می‌شود و سپس پیرامون مقوله‌های عوامل و شرایط تبیین‌کننده تفکر آینده‌نگر توضیحاتی ارائه می‌گردد.

مقوله هسته‌ای آرزومداری

برای آنکه بتوان تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان را به بهترین نحو منعکس نمود و یافته‌های متعدد را سامان داد، باید مشخص کرد موضوع و مسئله اصلی که نوجوانان مورد پژوهش با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند چیست (مقوله هسته‌ای)؟ و از آنچه به صورت غیرمستقیم گفته می‌شود چه می‌توان دریافت؟

در حین انجام مصاحبه‌ها و جمع‌آوری داده‌ها احساس می‌شد که در همه اشارات مختلف نوجوانان یک جوهر مشترک وجود دارد که رد پای از خودش در اکثر نوجوانانی که به نوعی از تفکر آینده‌نگر صحبت می‌کردند، باقی می‌گذاشت. هم‌زمان با ادامه مصاحبه‌ها و تحلیل داده‌ها که مفاهیم جدید شکل می‌گرفت، این احساس ادامه داشت و پررنگ‌تر می‌شد که در پایان از واژه‌ای به نام «خیال‌پردازی» یا «آرزومداری» برای نام‌گذاری این دغدغه مشترک استفاده نمودیم. بنابراین «آرزومداری» مقوله هسته‌ای در معرفی یافته‌های این پژوهش در نگاه نظریه داده‌بنیاد به عوامل شکل‌دهنده تفکر آینده‌نگر نوجوانان شد؛ چراکه می‌توانست درگیری ذهنی آنان با مسائل مختلف را که منجر به تفکر آینده‌نگر می‌شد را به بهترین نحو به تصویر بکشد. به عنوان نمونه به چند گفت‌وگوی نوجوانان اشاره می‌کنیم.

«دوست دارم که بهترین نویسنده بشم و بنویسم؛ چون بین آدم‌ها تواناتر می‌شم»، «اگه حواسم به آینده باشه می‌تونم به چیزهایی برسم که همه دوستام به من حسودی کنن»، «اگر بخوام همش به گذشته فکر کنم آن قدر اتفاقاتی افتاده و اذیتم کردن که حالمو بد می‌کنه، ولی وقتی به اون چیزایی که می‌خوام بشون برسم فکر می‌کنم حالم زیرورو می‌شه»، «آدمایی موفق‌اند که برای خودشون یه آرزوهایی دارن که وقتی میارن تو تخیلشون براش تلاش می‌کنن»، «یادمه یه فیلم دیدم که رفته بود تو آینده و از اون وقت کلی با خودم فکر می‌کردم که آینده من چه شکلیه و کلی چیز برای خودم تو ذهنم می‌ساختم».

مقوله‌های عمده دیگر برخاسته از تحلیل اظهارات نوجوانان بر اساس ارتباط با این مقوله هسته‌ای و نقشی که در تبیین تفکر آینده‌نگر نوجوانان ایفا می‌کردند، در سه طبقه کلی‌تر عوامل تعاملی، شناختی و انگیزشی قرار گرفتند. این طبقات در حقیقت انتزاعات کلی‌تری از مقوله‌های پرور آینده‌شده در مراحل قبلی تحلیل هستند. نمای کلی مقوله‌هایی که در پژوهش حاضر به دست آمده را می‌توان در جدول (۱) مشاهده نمود.

جدول ۱: کدهای باز، محوری و انتخابی

کدهای انتخابی	کدهای محوری	مفاهیم اولیه
عوامل تعاملی	نقش محیط	نقش معلمان نقش والدین نقش دوستان و همسالان بازخوردهای دیگران رقابت
	تجارب زیسته	کسب دستاوردهای تحصیلی تجارب منفی مکرر تجارب منفی گذشته تجارب مثبت گذشته تجارب مشاهده‌شده از دیگران
	نیازها	نیاز به تعامل مثبت با دیگران نیاز به نشاط و تحرک عزت نفس نیاز به تشویق نیاز به شکوفایی نیاز به کنجکاوی
عوامل شناختی	توانمندی‌های شناختی	هوش حافظه سبک تفسیر خوش‌بینانه توانایی تصور خود در آینده برنامه‌ریزی
	باورها	دوری از باورهای غیرمنطقی اعتقادات دینی
عوامل انگیزشی	انگیزه‌ها و تمایلات	هدف‌مداری انگیزش پیشرفت دوری از ترس میل به خودنمایی انگیزه اجتناب از پیامدهای ناگوار فرصت‌طلبی
	ملاک‌ها و ارزش‌ها	ملاک‌های موفقیت ارزش‌های اخلاقی فرد

الف) عوامل شناختی

۱. توانمندی‌های شناختی

۱-۱. هوش

یافته‌های حاصل از مصاحبه با نوجوانان نشان می‌دهد که هوش یکی از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر است. مشارکت‌کننده شماره ۳ معتقد است: «به نظر آدم‌های باهوش هیچ‌وقت تو گذشته نیستن و همش به آینده فکر می‌کنن و آدم‌های خنگ و نادون هستن که همش تو فاز گذشته هستن».

۱-۲. حافظه

تجارب زیسته نوجوانان نشان می‌دهد که حافظه از دیگر عوامل شایع در بین نوجوانان است که می‌تواند زمینه‌ساز تفکر آینده‌نگر شود. مشارکت‌کننده شماره ۹ می‌گوید:

تو دوستانه یکی هست که خیلی حافظه خوبی داره. هیچ چیزی نیست تو مخش نره و اتفاقاً به ویژگی‌اش هم همینیه که می‌دونه فردا می‌خواد چه کار کنه، ماه دیگه کجا باشه و سال دیگه به چی برسه... من فکر می‌کنم حافظه‌ات باید خیلی خوب باشه تا بتونی آینده‌نگر باشی...

۱-۳. سبک تفسیر خوش‌بینانه

یکی از مؤلفه‌های روان‌شناختی مرتبط با تفکر آینده‌نگر در نوجوانان، سبک تفسیر خوش‌بینانه است. مشارکت‌کننده شماره ۵ در توصیف تجربه خود به این موضوع اشاره می‌کند:

یکی از فایده‌های خیلی همه چیز خوب می‌بینم و همیشه می‌گه آدم اگر مطمئن باشه که اتفاقی خوب برایش می‌افته، واقعاً همین‌جوری می‌شه؛ برعکسش آدمایی که همیشه از بدبختی حرف می‌زنن، بعدها هم بدبخت باقی می‌مونن. برای همین آدمای این‌جوری آینده‌بهتری دارن و بهتر می‌تونن برای آینده‌شون داستان و تخیل بسازن.

گرچه در این اظهارنظر خوش‌بینی بیشتر به‌عنوان عاملی برای تحقق آینده مطلوب توصیف شده است، اما می‌توان آن را به‌عنوان زمینه‌ساز شناختی برای برانگیختن تفکر آینده‌محور نیز تفسیر کرد. به بیان دقیق‌تر، نگرش خوش‌بینانه در این توصیف، فرایند تصور آینده را تسهیل می‌کند و از طریق کاهش ترس یا تردید، امکان هدف‌گذاری و تفکر مثبت درباره آینده را فراهم می‌آورد.

۱-۴. توانایی تصور خود در آینده

یکی از توانمندی‌های شناختی که در شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر نوجوانان نقش دارد، توانایی تصور خود در آینده است. این توانایی به نوجوان امکان می‌دهد تا موقعیت‌های آینده را به‌صورت ذهنی شبیه‌سازی کرده و بر اساس آن، دست به تصمیم‌گیری، هدف‌گذاری و انتخاب بزند. مشارکت‌کننده شماره ۱۰ در این باره بیان می‌کند:

خیلی وقتا با خودم فکر می‌کنم چند سال دیگه کجام؟ مثلاً وقتی تو مدرسه حوصله‌ام سر می‌ره، تصور می‌کنم که توی به شغل خاص دارم کار می‌کنم یا دانشگاه قبول شدم. این باعث می‌شه به‌جوری انگار خودمو ببینم که به به چیزی رسیدم. اون موقعه‌ست که بیشتر دلم می‌خواد واسه آینده تلاش کنم.

تصور خود در آینده در اینجا نقش یک علت شناختی را ایفا می‌کند که با واسطه‌گری تخیل هدفمند، موجب افزایش تعهد نسبت به آینده و ساماندهی رفتار در زمان حال می‌شود.

۱-۵. برنامه‌ریزی

یکی از مواردی که در گفته‌های چند نفر از نوجوانان تکرار شده بود، وجود برنامه‌ریزی و نقش آن در شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر بود. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره ۱۰ شروع تفکر آینده‌نگر را توجه به برنامه‌ریزی می‌داند:

اصلاً من خودم تو هر کاری که برنامه می‌ریزم حتماً انجامش می‌دم و کارایی که بی‌فکری می‌کنم و برایش از قبل چیزی تهیه نمی‌کنم توش موفق نمی‌شم. آدمای با برنامه مدام به کارایی که می‌خوان بکنن فکر می‌کنن و از قبلش راه و چاهشو مشخص می‌کنن.

۲. باورها

۲-۱. دوری از باورهای غیرمنطقی

افکار و باورهای غیرمنطقی نیز از جمله موانع شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر در بین نوجوانان این پژوهش به‌شمار می‌رود که به نظر می‌رسد با دور کردن این افکار می‌توان تفکر آینده‌نگر را شکل داد. مشارکت‌کننده شماره ۱۲ به باور غیرمنطقی فاجعه‌انگاری اشاره می‌کند و می‌گوید: «آدمایی که همش می‌گن ما دست به هر کاری بزنییم بدبختیم و همیشه تو بدبختی بودن، اینا به نظرم نمی‌تونن آینده خوبی برای خودشون حتی تصور کنن چه برسه بهش برسن». همچنین مشارکت‌کننده شماره ۱ به تفکر غیرمنطقی باید‌ها تصریح می‌کند: «من به آینده فکر می‌کنم، ولی با خودم می‌گم باید بش برسم. همیشه می‌ترسم اگر نرسم چی می‌شه و ناامید می‌شم یا نه».

۲-۲. اعتقادات دینی

بنیان‌های دینی نیز از دیگر عوامل زمینه‌ساز تفکر آینده‌نگر می‌باشد که مورد توجه نوجوانان پژوهش حاضر بوده است. مشارکت‌کننده شماره ۸ در این خصوص می‌گوید:

پدر بزرگم همیشه به من می‌گه اگر می‌خواهی تو کارات موفق بشی به مرگ و بعدش فکر کن! منم با خودم می‌گم آدم سن به سرش می‌رسه این حرف‌ها رو می‌زنه و من که تازه ۱۳ سال بیشتر ندارم، ولی فکر می‌کنم شاید اگر منم به حرفش گوش کنم و اونجوری که بهم میگه باشم شاید موفق بشم.

مشارکت‌کننده شماره ۱۱ نیز به یکی از اعتقادات دینی شکل‌دهنده این تفکر اشاره می‌کند:

بعضی وقتا توای کارای مامانم می‌مونم که وقتی می‌ریم حرم و مسجد و اینجور جاها، هرچی می‌مونه خسته نمی‌شه و به بار گفتم مامان چی گیرت میاد این قدر اینجا می‌مونی و دعا و نماز و این کارا رو می‌کنی و خسته نمیشی؟ بهم گفت اگه فکر کنی به آینده می‌بینی چیزی نداری....

(ب) عوامل انگیزشی

۱. انگیزه‌ها و تمایلات

۱-۱. هدف‌مداری

نوجوانان معتقدند که افرادی تفکر آینده‌نگر دارند که برای زندگی خود در شئون مختلف تحصیلی، فردی، خانوادگی و اجتماعی هدف داشته باشند و بر اساس آن گام بردارند. مشارکت‌کننده شماره ۴ معتقد است: «کسی می‌تونه به آینده فکر کنه که برای خودش مشخص کرده باشه که می‌خواد به چی برسه».

۱-۲. انگیزش پیشرفت

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که انگیزش پیشرفت از جمله عوامل اصلی زمینه‌ساز بروز این تفکر در مشارکت‌کنندگان است. مشارکت‌کننده شماره ۱۰ می‌گوید:

معلم آقای «س» همیشه پر شور و جنب و جوشه، از من می‌خواد که همیشه حواسم رو به درس باشه و مرتب تو حرفاش از این حرف می‌زنه که اگر می‌خواهید آدم مهمی بشید از الان باید بش فکر کنید، من خیلی کلاس‌ها شو دوست دارم و لذت می‌برم.

۱-۳. دوری از ترس

از داده‌های قابل تأمل این پژوهش می‌توان به هیجان ترس اشاره کرد که در شکل‌دهی تفکر آینده‌نگر نقش ایفا می‌کند. مشارکت‌کننده شماره ۱۲ می‌گوید:

معلم‌های مدرسه کاری می‌کنن با آدم که آدم هول می‌کنه هر روز که مدرسه میاد. برای همین من یکی که همیشه برای آینده‌ام نگرانم و از طریق خودمو ملزم کردم که از یک هفته قبل برای مدرسه و کلاسام برنامه داشته باشم.

۱-۴. میل به خودنمایی

نوجوانان با توجه به تجارب زیسته خود، معتقدند که میل به خودنمایی نیز می‌تواند به تفکر آینده‌نگر منجر شود. به نظر می‌رسد که این یافته پژوهش با توجه به منفی بودن آن، با سایر تجارب نوجوانان متفاوت باشد. مشارکت‌کننده شماره ۱ بر این باور است: «من فکر می‌کنم که آدمایی که می‌خوان خودشون رو بچه مثبت نشون بدن، همش می‌گن ما برای آینده کلی فکر داریم و درجا نمی‌زنیم».

۱-۵. انگیزه اجتناب از پیامدهای ناگوار

یافته‌های حاصل از پژوهش نشانگر آن است که برخی نوجوانان برای دوری از اتفاقات ناگواری که در پرتو نداشتن تفکر آینده‌نگر است، به سمت این تفکر می‌روند. نوجوانانی همچون مشارکت‌کننده شماره ۹ معتقدند که اگر افراد به آینده و عاقبت کارهایشان فکر کنند، می‌توانند از اشتباه و اتفاقات ناگوار مصون بمانند:

بعضی وقت‌ها چیزایی برام پیش میاد که با خودم می‌گم کاش قبلش بش فکر می‌کردم تا اونجوری نمی‌شد؛ مثلاً یک ماه مونده بود به امتحان نمونه دولتی، ولی مدام به خودم می‌گفتم حالا وقت زیاده و اینجور حرفا و کلی وقت تلف کردم. الان با خودم می‌گم کاش همون موقع بیشتر فکر می‌کردم و انقدر علاف نمی‌چرخیدم تا اینجوری نمی‌شد که...

۱-۶. فرصت‌طلبی

از دیگر انگیزه‌هایی که می‌تواند زمینه‌ساز تفکر آینده‌نگر در نوجوانان شود، فرصت‌طلبی است. مشارکت‌کننده شماره ۱۰ بر این باور است:

یه بار که تو مدرسه اعلام کردن برای تیزهوشان کیا می‌خوان ثبت‌نام کنند، من هم سریع رفتم و بعضی بی‌خیال بودن و اصلاً نیومدن و بعضی دوستانم هم بعد من اومدن ثبت‌نام کردن، ولی اندازه من نخوندن و وقت نگذاشتن. من همون اول نشستیم برای آینده‌ام کلی فکر کردم و همون که سریع موقعیتو چسبیدم فکر کنم باعث شد که من به آینده خوشبین تر بشم.

۱-۷. کسب دستاوردهای تحصیلی

تلاش برای کسب بهترین رتبه‌های تحصیلی، نوجوانان را به سمت داشتن تفکر آینده‌محورانه سوق می‌دهد. مشارکت‌کننده شماره ۲ می‌گوید: «من هر وقت آینده‌نگری کردم توی امتحاناتم و از قبل نشستم خوندم بهترین نمره‌ها رو گرفتم و جوری شده که برای خودم کلی فکر و خیال می‌کنم که من اگه همیشه اینجوری باشم بزرگ می‌شم به هرچی می‌خواهم می‌رسم».

۲. ملاک‌ها و ارزش‌ها

۲-۱. ملاک‌های موفقیت

نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که نوجوانان بر این باورند که داشتن ملاک‌های موفقیت زمینه‌ساز تفکر آینده‌نگرانه است. مشارکت‌کننده شماره ۳ معتقد است: «آدمایی که برای زندگیشون ملاک دارن، حتماً به آینده هم مطمئن و هم می‌تونن آدمای کار درستی باشن».

۲-۲. ارزش‌های اخلاقی فرد

دارا بودن ارزش‌های اخلاقی نیز از دیگر مؤلفه‌های سازنده تفکر آینده‌نگر است. مشارکت‌کننده شماره ۱۳ می‌گوید: «هر کسی رو دیدم که جوشی و عصبیه و همش دعوا می‌کنه، برای آینده‌اش هیچ فکری نداره، هیچ‌وقت هم بهترین نیستن». مشارکت‌کننده شماره ۱۲ نیز بر همین باور است:

اگه با بهروز رفیق می‌شدم خیلی موفق‌تر از الان بودم؛ چون یه اخلاق‌های باحالی داشت که همه ازش خوششون می‌ومد. بهروز از اون آدمایی بود که هروقت می‌نشستم باش حرف می‌زد، برای همه کارایی که می‌خواست بکنه فکر داشت و انگار مثل یک ماشین کوکی تنظیم‌شده کار می‌کرد.

ج) عوامل تعاملی

۱. نقش محیط

۱-۱. نقش معلمان

اثرگذاری‌های محیط نیز از دیگر عواملی است که بستر تفکر آینده‌نگر را شکل می‌دهد. معلم و مربی از جمله تعیین‌کننده‌های محیطی به‌شمار می‌روند که می‌تواند به زمینه‌سازی تفکر آینده‌نگر کمک کند و یا حتی در مواردی می‌تواند مانع شکل‌گیری آن در یک نوجوان شود. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده شماره ۷ معلم را عاملی می‌پندارد که رفتار او را از فکر کردن به آینده بازداشته است:

معلم ریاضی‌مون آن‌قدر از خودش تعریف می‌کنه و مدام می‌گه باید مثل من برای خودتون و آیندتون برنامه داشته باشین، اما من برعکس به‌خاطر طرز درس دادنش اصلاً نه به درس نه به حرفاش علاقمند نمی‌شم و گاهی واقعاً از دستش عصبانی می‌شم که چرا جوری که منم بفهمم توضیح نمیده...

۱-۲. نقش والدین

تجارب زیسته نوجوانان در ارتباط با والدین نیز از دیگر عواملی است که در شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر نقش ایفا می‌کند. مشارکت‌کننده شماره ۶ می‌گوید:

بابام همیشه هر کاری می‌خوام بکنم حتی اگر بخوام برم خونه دوستم جشن تولد، می‌گه مواظب باش و همش نگران آینده است. آن قدر از آینده برام حرف زده که اگر خواست به بعداً نباش فلان میشه و این حرفا که من به جاهایی حرص می‌خورم، ولی به جاهایی هم همونی شده که گفته بم... .

۱-۳. نقش دوستان و همسالان

از دیگر عواملی که نوجوانان در زمینه پژوهش حاضر بدان اشاره داشته‌اند، نقش دوستان و همسالان است. به عنوان نمونه می‌توان به صحبت‌های مشارکت‌کننده شماره ۱ اشاره کرد:

دوستای من که کلاً همه منفی بافن و آن قدر می‌گن که خوشی کجاست و همش می‌گن ما تو بدبختی بزرگ شدیم و آینده بهتر که نمی‌شه هیچ بیچاره‌تر هم می‌شیم. آن قدر میگن که من بخوام به آینده فکر کنم هم می‌گم بی‌خیال.

۱-۴. بازخوردهای دیگران

یکی از مؤلفه‌هایی که نوجوانان را به سمت تفکر آینده‌نگر سوق می‌دهد و یا در مواردی می‌تواند آنها را از چنین تفکری دور سازد، بازخوردهای دیگران است. هریک از بازخوردهای مثبتی که از دیگران می‌گیرند، یا بازخوردهای منفی از دیگران می‌تواند نقشی در شکل‌گیری این تفکر ایفا نماید. مشارکت‌کننده شماره ۹ می‌گوید:

یه بار می‌خواستیم برای یکی از مسابقات ورزشی ثبت‌نام کنم و وقتی رفتیم پایگاه... برای ثبت‌نام دیدم همه قد و هیکل و سنشون بیشتر از منه و گفتم بی‌خیال من اصلاً شانس ندارم، اما دمش گرم یکی گفت این قدر ناامید نباش و برو خودتو آماده کن و موفق میشی. منم اتفاقاً همین کارو کردم و کلی با خودم خیالبافی می‌کردم که من میرم و اول میشم و از این حرفا. اتفاقاً اون سال اول شدم با اینکه من کوچکتربنشون بودم.

۱-۵. رقابت

داده‌ها نشان می‌دهند تعامل رقابت‌جویانه، تفکر آینده‌نگر را شکل می‌دهد و رفتار آنها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و در قالب رابطه‌های متقابل دو نفره به سمت این تفکر گام برمی‌دارند. مشارکت‌کننده شماره ۱۴ می‌گوید:

از یک سال پیش که اومدم توی این محله و با هادی دوست شدم، توی چیزای مختلف کوی داریم و سر اول شدن همیشه با هم مسابقه می‌دیم... این کوی خوندن و رقابتمون خیلی به جفتمون کمک کرده و بقیه بچه‌ها می‌گن شما دوتا بعداً آدمای مهمی میشین... ما هم جوگر فتمون و همش می‌شینیم فکر می‌کنیم برای آینده، من یکی که قراره وزیر بشم.

۲. نیازها

۲-۱. نیاز به تعامل مثبت با دیگران

نیازهای گوناگونی نوجوانان را به سمت فکر کردن درباره آینده سوق می‌دهد که یکی از آنها نیاز به تعامل سازنده و مثبت با دیگران است. نوجوان به دلیل حضور اجتماعی مفید و کارآمد در جامعه است که به سمت چنین افکاری حرکت می‌کند. مشارکت‌کننده شماره ۸ می‌گوید: «احتمال زیاد آدم‌ها برای اینکه بتونن تو جامعه بهتر زندگی کنند و ارتباط خوبی با بقیه داشته باشن یا حتی پولدارتر هم بخوانند باشن، باید به آینده فکر کنن».

۲-۲. نیاز به نشاط و تحرک

اشارات موجود در یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نیاز به تحرک و شادی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری تفکر

آینده‌نگر شود. مشارکت‌کننده شماره ۳ بر این باور است: «خیلی بخواهی تو گذشته بمونی دیگه آن قدر ناامید میشی که با خودت می‌گی بدبختی‌ها تموم شدنی نیست، ولی من می‌گم فکر کردن به آینده و اتفاقات خوبی که میشه پیش بیاد کلی به آدم روحیه میده».

۲-۳. اعتماد به نفس

نوجوانان در پژوهش حاضر به مقوله اعتماد به نفس نیز اشاره داشتند و گویی افزایش اعتماد به نفس می‌تواند تفکر آینده‌نگر آنها را دچار تغییراتی کند. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که ضعف و کمبود اعتماد به نفس مانعی اساسی در شکل‌گیری این تفکر به‌شمار می‌رود. مشارکت‌کننده شماره ۱ می‌گوید:

معمولاً بچه‌های زرنگ و اونایی که خودشون رو سر گروه می‌کنند، بیشتر به فکر آینده هستند. من هم قبلاً اینجوری بودم، ولی این قدر بچه‌ها اذیتم کردن و گفتن تو دست و پا چلفتی هستی و تو بازی هاشون راهم ندادن که دیگه احساس بی‌حوصلگی دارم. گاهی خودم به بازی پیشنهاد می‌دم، ولی بچه‌ها حرف همون سرگروه رو گوش میدن.

۲-۴. نیاز به تشویق

نوجوانانی که رفتار آنها مبتنی بر شکل‌دهی آینده‌شان است و توسط والدین، معلمان و دوستان تشویق و هدایت می‌شوند، علاوه بر حس کفایت و صلاحیتی که در آنها شکل می‌گیرد، تفکر آینده‌نگر را نیز در خود به وجود می‌آورند. مشارکت‌کننده شماره ۲ به تجربه خود این‌گونه اشاره می‌کند:

یادمه یه بار که معلم انشا گفته بود که در آینده می‌خواهید چه کاره بشوید و منم کلی آرزو و خیال‌های خودم رو توی انشا نوشتم. تا انشا رو نوشتم رفتم به بابام نشون دادم و آن قدر ذوق کرده بود که همونجا ده هزار تومان بهم جایزه داد.

۲-۵. نیاز به شکوفایی

حرکت در مسیر شکوفایی و ایجاد فرصت برای شکوفا شدن استعدادهای درونی از دیگر عوامل شکل‌دهنده تفکر آینده‌نگر است که در نوجوانان وجود دارد. مشارکت‌کننده شماره ۱۴ می‌گوید:

خیلی برای آینده‌ام هدف دارم و برای همین خیلی دوست دارم که تو مسابقه‌ها من رو انتخاب کنند. وقتی بچه دیگری رو انتخاب می‌کنند خیلی ناراحت میشم. وقتی برا مسابقه انتخاب میشم هم خوشحال میشم، هم برا بچه‌هایی که انتخاب نشدن دلم می‌سوزه. برنده شدن زیاد برام مهم نیست، همین که تجربه کردم برام خوبه. وقتی برنده میشم چون دوست دیگم بازنده شده و ناراحته خیلی خوشحال نمیشم.

۲-۶. نیاز به کنجکاوی

یافته‌های حاصل از مصاحبه با نوجوانان حاکی از آن است که کنجکاوی یکی از عوامل تشکیل‌دهنده تفکر آینده‌محور در بافت مورد مطالعه، به‌خصوص در میان نوجوانان سنین پایین‌تر است. مشارکت‌کننده شماره ۱۱ این‌چنین می‌گوید:

خیلی دوست دارم درس‌ها تکراری و خسته‌کننده نباشه مثلاً راه‌حل‌ها رو یکم معلم بگه یکم خودم بشینم فکر کنم و حدس بزنم یا بدونم چطور میشه چیزهای جدید ساخت. دوست دارم از همه چیز سر در بیارم، ولی تو مدرسه زیاد نمیشه؛ چون وقت نیست، معلم زودی جواب‌ها رو می‌گه یا می‌گه اینها مربوط به درس نیست. بیشتر تو خونه دنبالش میرم. فکر کنم به‌خاطر همین که آن قدر نقشه برای آینده و چیزایی که می‌خوام بسازم دارم.

۳. تجربه زیسته

۳-۱. تجارب منفی مکرر

تجارب زیسته نوجوانان که از طریق مصاحبه‌ها جمع‌آوری شدند، نشان می‌دهد که تجارب منفی که در گذشته به وفور تکرار شده‌اند، آنان را به سمت آینده و شناخت آن سوق داده است. مشارکت‌کننده شماره ۷ می‌گوید: «آن قدر تو بجگیم بدبیاری آوردم که دیگه نمی‌خوام به گذشته فکر کنم و فقط می‌خوام همه حواسم به آینده باشه».

۳-۲. تجارب منفی گذشته

نوجوانانی که تجربه منفی مکرر نداشته‌اند، اما در گذشته اتفاقی برایشان افتاده بود که برداشت آنها بدین گونه بود که شکست ناشی از عدم تفکر آینده‌نگرانه است. مشارکت‌کننده شماره ۱۳ می‌گوید:

یادمه یه دفعه که مدیرمون تو مدرسه گفت فردا تو صف قرآن رو بخون و منم کلی خوشحال شدم، اما نمی‌دونم چی شد که نشستیم یه کم کار کنم تا فردا مسلط باشیم. چشمتون روز بد نبینه آن قدر خراب کردم که تا چند روز تو مدرسه جرئت نگاه کردن به کسبو نداشتیم و قشنگ می‌فهمیدم که همه مسخرم می‌کنن. از اون به بعد به خودم قول دادم هر کاری که قراره انجام بدم قبلش بشینم حسابی خودمو آماده کنم و بدون حساب کتاب و بی‌خیال نباشم.

۳-۳. تجارب مثبت گذشته

تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد که نوجوانان بر اثر تجارب مثبت گذشته به تفکر آینده‌نگر روی می‌آوردند. علاوه بر نقش زمینه‌ساز تجارب زیسته مثبت و منفی گذشته در شکل‌گیری این تفکر، می‌توان به تأثیرگذاری تجارب زیسته در استمرار آن اشاره داشت. مشارکت‌کننده شماره ۵ می‌گوید:

یه روز یه سوال رو که توی مدرسه معلمون پرسیده بود و منم برای اینکه خودمو نشون بدم و تو دل معلم جا باز کنم، کلی فکر کردم و فکر کردم تا از یه راه جدید توانستم حل کنم و دوستم هم از یک راه دیگه حل کرده بود و معلم گفت راهحل تو بهتره و منم کلی ذوق کردم، ولی دوستم تا چند روز با من قهر کرده بود و از دستم ناراحت بود. اما با اینکه دوستم قهر بود، اما خیلی برام شیرین بود. از اون روز به بعد همش فکر می‌کردم که یه چیزای دیگه‌ای هم از خودم نشون بدم...

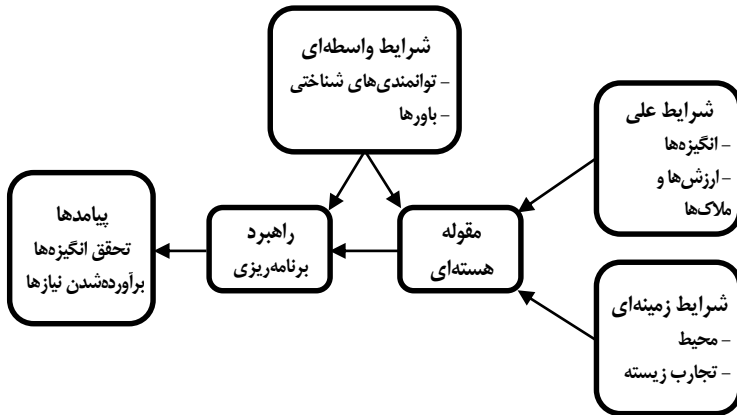
۳-۴. تجارب مشاهده‌شده از دیگران

علاوه بر تجارب شخصی نوجوانان، شاهد یادگیری مشاهده‌ای نیز هستیم؛ بدین گونه که نوجوانان با دیدن تجارب دیگران، تفکر آینده‌نگر را در خویش شکل می‌دهند. مشارکت‌کننده شماره ۴ می‌گوید:

من همیشه حواسم به اون بچه‌هایی است که با هم رقابت دارند. می‌بینم همیشه کاری می‌کنن که تو چشم باشن و موفقیتاشون رو به رخ همدیگه بکشونن. یه چیزی هم که دیدم توشون همینکه یه یکسره به آینده فکر می‌کنن و مثلاً حمید از اون آدماست و اتفاقاً هروقت باش حرف زدم از آرزوهایش میگه که من بهترین دانش‌آموز مدرسه میشم. یا برعکسش علی که کاری نمی‌کنه که تو چشم باشه و موفقیتاشو رو زیاد به رخ نمی‌کشه، و میگه نمی‌خام لج بقیه رو در بیارم.

به‌منظور ارائه یک الگوی پارادایمی بر اساس روش نظریه داده‌بنیاد، همان گونه که استراوس و کوربین (۱۹۹۸) اشاره کرده‌اند، توجه به شش عامل (شرایط علی، مقوله اصلی، عوامل زمینه‌ساز، عوامل واسطه‌ای، راهبردها و پیامدها) ضروری است. به همین علت عوامل شناسایی‌شده در فرایند تحقیق، به‌صورت یک مدل فرایندی در شکل (۱) قابل مشاهده است.

شکل ۱: مدل فرایندی تفکر آینده‌نگر بر پایه نظریه داده‌بنیاد



بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف ارزیابی و تبیین عوامل تشکیل‌دهنده و فرایند تفکر آینده‌نگر در نوجوانان ۱۲-۱۶ ساله و ارائه نظریه‌ای داده‌بنیاد در این خصوص، در قالب یک طرح کیفی نظریه داده‌بنیاد صورت گرفت. یافته‌های حاصل از مراحل نظام‌مند تحلیل داده‌ها، بیانگر این بود که نوجوانان طیف وسیعی از عوامل را زمینه‌ساز تفکر آینده‌نگر می‌پندارند و یا تجربه می‌کنند. این عوامل در قالب حدود ۳۰ مقوله عمده خلاصه‌سازی مفهومی شده بود. با توجه به نوع ارتباطی که در تحلیل داده‌ها با یکدیگر نشان می‌داد، در سه دسته کلی عوامل شناختی، انگیزشی و تعاملی در ارتباط با هم قرار گرفت. همچنین از بین این مقوله‌ها، مقوله «آرزومداری» به‌خاطر اهمیت ویژه‌ای که برای مشارکت‌کنندگان داشت، به‌عنوان مقوله هسته‌ای انتخاب شد.

همان‌طور که قبلاً نیز بدان اشاره شد، در الگوی پارادایمی که توسط استراوس کوبین (۱۹۹۸) ارائه شد، باید عوامل شش‌گانه (شرایط علی، مقوله اصلی، عوامل زمینه‌ساز، عوامل واسطه‌ای، راهبردها و پیامدها) که در تبیین نظریه شرح داده شده است، مورد ملاحظه قرار گیرد.

شرایط علی (تأثیرگذار): به عواملی اطلاق می‌شوند که باعث به وجود آمدن تفکر آینده‌نگر هستند. در مجموع، از اظهارات مشارکت‌کنندگان می‌توان چنین برداشت کرد که عامل اصلی تفکر آینده‌نگر، نیازها، انگیزه‌ها، ارزش‌ها و ملاک‌ها هستند. اجزای تشکیل‌دهنده مقوله نیازها عبارت‌اند از: نیاز به تعامل مثبت با دیگران، نیاز به نشاط و تحرک، عزت نفس، نیاز به تشویق، نیاز به شکوفایی و نیاز به کنجکاوی. مقوله انگیزه‌ها نیز شامل هدف‌مداری، انگیزش پیشرفت، دوری از ترس، میل به خودنمایی، انگیزه اجتناب از پیامدهای ناگوار و فرصت‌طلبی. ملاک‌های موفقیت و ارزش‌های اخلاقی فرد نیز زیر مجموعه‌های ارزش‌ها و ملاک‌ها را تشکیل می‌دهند. نورمی (۱۹۹۱) معتقد است این نیازها و انگیزه‌ها هستند که به سؤال درباره چرایی تفکر درباره آینده پاسخ می‌دهند و به‌عنوان موتور محرک عمل

کرده و باعث می‌شوند فرد برای به‌دست آوردن آنها تلاش کند، اما انگیزه‌ها، خود متأثر از عواملی هستند؛ ارزش‌ها و ملاک‌ها همان عواملی هستند که انگیزه‌ها را متأثر می‌سازند (Nurmi, 1991). درحقیقت، تفکر آینده‌نگر عبارت است از تجسم آینده مطلوب و آینده نامطلوب و تلاش برای به‌دست آوردن آینده مطلوب و جلوگیری از آینده نامطلوب. در این راه فرد قدم‌های لازم برای رسیدن به آن را بررسی، منابع داخلی و خارجی را ارزیابی کرده و تا زمان دستیابی به آن تلاش می‌کند (Bandura, 1982; Carver & Scheier, 1998). به‌علاوه، بلنجر و دیگران (۲۰۱۴) تفکر آینده‌نگر را توانایی پیش‌بینی نیازها دانسته و از آن به‌عنوان مهارتی مهم برای عملکرد مطلوب افراد در کارهای روزانه و برنامه‌ریزی می‌دانند، و این حرکت به سمت جلو در زمان را یک مزیت تکاملی برای انسان قلمداد می‌کنند که بقای انسان را تضمین می‌کند. بنابراین این نیازها و انگیزه‌ها هستند که باعث به وجود آمدن تفکر آینده‌نگر (به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به نیازها و اهداف) در انسان می‌شوند.

مقوله اصلی (پدیده ناشی از شرایط علی): پدیده، حادثه یا اتفاق اصلی که سلسله کنش متقابل معطوف به اداره و کنترل آن می‌گردد. با توجه به نظرات مصاحبه‌شونده‌ها، آرزومداری به دلیل اهمیت ویژه و تکرار مفاهیم ناظر به آن در طول مصاحبه‌ها، به‌عنوان مفهوم هسته‌ای و مقوله اصلی انتخاب شد. همان‌طور که در شرایط علی اشاره شد، نیازها، انگیزه‌ها و تمایلات و در نهایت ملاک‌ها و ارزش‌ها عامل اصلی به وجود آمدن آرزومداری هستند. به‌عبارت‌دیگر، آرزومداری زمانی در فرد شکل می‌گیرد که نیازها و انگیزه‌های ناشی از عوامل گوناگون، همراه با ملاک‌های موفقیت و ارزش‌ها مورد توجه قرار گیرند. در این حالت، آرزومداری به‌عنوان هسته اصلی تفکر آینده‌نگر عمل کرده و سایر کنش‌ها و واکنش‌ها در پاسخ به آن سامان می‌یابند.

شرایط زمینه‌ای: زمینه نشانگر سلسله خصوصیات ویژه‌ای است که به پدیده‌ای دلالت دارد. به‌عبارت‌دیگر، زمینه عبارت است از سلسله شرایط خاصی که در آن راهبردهای کنش متقابل برای اداره، مدیریت و پاسخ به پدیده اصلی صورت می‌گیرد (محمدپور، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). زمینه‌های شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر، همان‌طور که از مصاحبه‌ها به‌دست آمده‌اند، عبارت‌اند از: نقش محیط و تجارب زیسته، نقش محیط شامل نقش معلمان، نقش والدین، نقش دوستان و همسالان، بازخوردهای دیگران و رقابت می‌شود. تجارب زیسته نیز اجزای کسب دستاوردهای تحصیلی، تجارب منفی مکرر، تجارب منفی گذشته، تجارب مثبت گذشته، تجارب مشاهده‌شده از دیگران را دربر می‌گیرد. همان‌طور که مشارکت‌کنندگان بدان اشاره کرده‌اند عوامل محیطی و تجربیات گذشته نقش مهمی در شکل‌گیری و استفاده از تفکر آینده‌نگر دارند. این یافته‌ها با یافته‌های ماهی و دیگران (۲۰۱۴) همخوان است. نوجوانی را در نظر بگیرید که به جشن تولد دوست خود دعوت شده است، اما فراموش می‌کند برای او هدیه‌ای ببرد. این اتفاق می‌تواند پیامدهایی منفی برای او به دنبال داشته باشد؛ مثلاً ممکن است دیگر او را به جشن تولد دوستش دعوت نکنند. در این مثال می‌توان نقش عوامل اجتماعی و نیز تجارب زیسته را در

شکل‌گیری و به‌کارگیری تفکر آینده‌نگر ملاحظه کرد (Moffitt, et al, 2011). یکی از عوامل زمینه‌ساز برای تفکر آینده‌نگر، نقش والدین است. سگینر (۲۰۰۹) معتقد است که فرزندپروری با آینده‌نگری کودکان مرتبط است. حوزه درک والدین و اعطای استقلال به نوجوانان، با انگیزه آنها برای شرکت در افکار آینده‌نگر، ارتباط دارد و به‌علاوه، دلبستگی ایمن به مادر، مشارکت والدین و حمایت آنها، با انگیزه نوجوانان برای درگیر شدن با تفکر آینده‌نگر، مرتبط‌اند. یافته‌های پژوهش همخوان با یافته‌های پژوهش‌های پیشین، نشانگر نقش همسالان در شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر بود. برخی از پژوهشگران معتقدند همسالان می‌توانند به‌عنوان منبعی از گرما و حمایت، تشویق و اطلاعات لازم برای رشد مهارت‌های شناختی و ایده‌های آنها را فراهم کرده و زمینه لازم برای شکل‌گیری تفکر آینده‌نگر را فراهم آورند (Seginer, 2009).

شرایط واسطه‌ای مؤثر بر راهبردها: شرایط واسطه‌ای، شرایط کلی و وسیعی هستند که بر چگونگی کنش متقابل و راهبردهای پیشنهادی اثر می‌گذارند (Strauss & Corbin, 1998). بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده، عوامل شناختی (توانمندی‌های شناختی مشتمل بر هوش، حافظه، سبک تفسیر خوش‌بینانه و توانایی تصور خود در آینده و باورها، شامل دوری از باورهای غیرمنطقی و اعتقادات دینی) عواملی هستند که هم آرزومداری را متأثر می‌کنند و هم بر برنامه‌ریزی مؤثرند. طبق مدل سه مؤلفه‌ای جهت‌گیری آینده، مؤلفه شناختی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در نظر گرفته شده است. درحقیقت، توانمندی‌های شناختی هستند که فرد را قادر می‌سازند تا آینده را بازنمایی کرده و در حوزه‌ای خاص تجسم و تصور کنند (Seginer, 2005). رابطه هوش و حافظه با تفکر آینده‌نگر، جای تعجب ندارد. برخی از روان‌شناسان هوش را به‌عنوان نیروی درک روابط اشیا و پدیده‌ها تعریف کرده‌اند (گاردنر، ۱۳۹۳). با توجه به این تعریف، افراد برای دستیابی به تفکر آینده‌نگر باید بتوانند رابطه اهداف و فعالیت‌های مورد نیاز را در نظر بگیرند و برای این کار در مواردی نیازمند آن هستند که با استفاده از حافظه خود، موقعیت‌های گذشته را در نظر گرفته و با موقعیت فعلی مقایسه کنند. به‌علاوه، پژوهش اوکیف و وینگیت (۲۰۱۳) نیز سبک تفسیر خوش‌بینانه را به‌عنوان یکی از عوامل مهم تفکر آینده‌نگر در نظر می‌گیرد. بر همین اساس، عوامل هم بر آرزومداری به‌عنوان یک مؤلفه هسته‌ای و هم بر برنامه‌ریزی مؤثرند.

تحلیل یافته‌های پژوهش نشان داد که باورها (دوری از باورهای غیرمنطقی و اعتقادات دینی) نقش مهمی در دستیابی به تفکر آینده‌نگر ایفا می‌کنند. کشاورز (۱۳۸۶) معتقد است فهم آینده و تصویرسازی واقع‌بینانه از آینده، امری بسیار ضروری است و اعتقادات دینی می‌توانند نقش مهمی در این جهت ایفا کنند. از آنجاکه خداوند متعال نظام هستی را با غایت‌مندی ترسیم نموده است، قطعاً چشم‌اندازهای آینده‌نگران‌ه‌ای برای روشن شدن مسیر حرکت انسان‌ها مدنظر قرار داده است که آگاهی از این دورنماها و کسب معرفت صحیح نسبت به آنها می‌تواند نقشی اساسی در جهت‌دهی و کیفیت‌بخشی به بینش، نگرش، گرایش و اعمال رفتار آدمی ایفا نماید.

راهبردها: در نظریه داده‌بنیاد، راهبردها به ارائه راه‌حل‌هایی برای مواجهه با پدیده می‌پردازند. به عبارت دیگر، هدف راهبردها اداره کردن نحوه برخورد، به انجام رساندن و حساسیت نشان دادن به پدیده است (Strauss & Corbin, 1998). آنچه از تحلیل صحبت‌های مشارکت‌کنندگان به دست می‌آید، این است که برنامه‌ریزی مهم‌ترین راهبرد دخیل در تفکر آینده‌نگر است. برنامه‌ریزی عبارت است از برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که فرد برای رسیدن به اهداف خود از آنها استفاده خواهد کرد. درحقیقت، افراد در مواجهه با آرزومداری از برنامه‌ریزی به عنوان راهبردی برای تحقق پیامدها استفاده می‌نمایند. برنامه‌ریزی خود تحت تأثیر سایر توانمندی‌های شناختی (هوش، حافظه، سبک تفسیر خوش‌بینانه و توانایی تصور خود در آینده) و تجربه قرار گرفته و بستری برای تحقق اهداف فراهم می‌کند. این یافته با یافته پژوهشگران سابق همخوان است. نورمی (۱۹۸۹) طبق مدل سه فرایندی برای جهت‌گیری آینده، برنامه‌ریزی را یکی از سه فرایند اصلی می‌داند. درحقیقت فرد در مواجهه با آرزوها و نیازهای خود، اقدامات لازم برای رسیدن به آن را تصور می‌کند. مزاجپوسکی و ماهی (۲۰۲۰) در پژوهش خود به نقش مهم برنامه‌ریزی اشاره کرده است. آنها معتقدند شکل‌دهی به اهداف، تجسم فعالیت‌ها و شکل‌دهی به برنامه، برای داشتن تفکر آینده‌نگر ضروری هستند.

پیامدها: کنش‌ها یا واکنش‌هایی که برای مدیریت پدیده مورد نظر به کار می‌رود، خود دارای پیامدهایی هستند (Strauss & Corbin, 1998). کنش‌ها و واکنش‌های مختلف افراد در جهت مدیریت آرزومداری، شرایط لازم برای تحقق انگیزه‌ها و برآورده شدن نیازها را فراهم می‌کند که در سطور بالا به صورت مفصل شرح داده شد. این یافته نیز با شواهد پژوهشی به دست آمده همخوان است. به عنوان مثال، مافیت و دیگران (۲۰۱۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که توانمندی‌های آینده‌نگری بالای افراد، پیش‌بینی‌کننده پیامدهای مثبت زیادی همچون سلامت فیزیکی و روانی، دستیابی به تحصیلات عالی و نیز آمار دستگیری کمتر است. مطالعات نشان می‌دهد اگر افراد انتظارات مثبتی نسبت به آینده نداشته و رفتارهای فعلی خود را با پیامدهای آن مرتبط ندانند، ممکن است نگران عواقب رفتارهای خطرناک مانند مصرف مواد، درگیری جنایی و رفتارهای خشونت‌آمیز نباشند (Robbins & Angela, 2004). به طور کلی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فکر کردن درباره آینده و ارزش‌گذاری و برنامه‌ریزی درباره آینده، می‌تواند احتمال شرکت نوجوانان در رفتارهای پرخطر را کاهش دهد.

اولین نکته قابل توجه در تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های صورت گرفته با نوجوانان، دانش ابتدایی درباره تفکر آینده‌نگر است؛ به گونه‌ای که در برخی موارد با مفاهیم مرتبط با آینده‌نگری خلط صورت می‌گرفت. دومین نکته قابل توجه، تنوع درک شناختی و تجارب نوجوانان از تفکر آینده‌نگر است. یافته‌ها نشان می‌داد که نوجوانان گستره متنوعی از رویدادهای مثبت و منفی مرتبط با تفکر آینده‌نگر را خودشان یا اطرافیان‌شان تجربه می‌کنند. سومین نکته قابل توجه، جایگاه آرزو و امید به آینده در بین افکار و برنامه‌های آینده نوجوانان است. نوجوانان با توجه به سن هویت‌یابی و تلاش برای ساخت هویت خود، گرایش زیادی به طرح‌ریزی آینده دارند؛ از این رو به نظر می‌رسد که پژوهش‌های آتی می‌تواند به نقش و جایگاه هویت و امید در تفکر آینده‌نگر بپردازد.

و در نهایت پژوهش حاضر مفهوم جدیدی تحت عنوان آرزومداری را پیشنهاد می‌نماید که می‌تواند سرآغازی برای پژوهش‌های بیشتر در جهت مفهوم‌پردازی و شناسایی مؤلفه‌های آن باشد.

با وجود تلاش برای افزایش دقت و اعتبار در طراحی و اجرای پژوهش، این مطالعه نیز با محدودیت‌هایی همراه بوده است. نخست، گرچه تنوع جمعیتی در نمونه‌گیری رعایت شد، اما تمرکز پژوهش تنها بر نوجوانان ساکن در بافت فرهنگی خاصی (کانون فرهنگی قم) بوده است که ممکن است تجربه تفکر آینده‌نگر در آن با جوامع دیگر تفاوت‌هایی داشته باشد؛ دوم، محدود بودن داده‌ها به مصاحبه‌های کلامی، بدون استفاده از ابزارهای تکمیلی مانند مشاهده یا نوشتارهای شخصی نوجوانان، ممکن است بخشی از تجربه زیسته آنها را پوشیده باقی گذاشته باشد؛ همچنین هرچند هدف روش نظریه داده‌بنیاد تعمیم‌پذیری آماری نیست، اما لازم است در انتقال مدل به گروه‌های سنی یا فرهنگی متفاوت، با احتیاط علمی عمل شود. این محدودیت‌ها می‌توانند زمینه‌ساز طراحی پژوهش‌های آینده با روش‌های ترکیبی و مقایسه‌ای در بسترهای متنوع باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: دوران.
- رفیعی‌هنر، حمید (۱۳۹۷). درآمدی بر روان‌شناسی آرزوها با رویکرد اسلامی. قم: دارالحدیث.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۸). روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فیست، گرگوری و فیست، جس (۱۳۹۰). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: روان.
- کشاوری، سوسن (۱۳۸۶). مفاهیم آینده‌نگر در اسلام و آثار تربیتی آنها. *دانشگاه تربیت معلم*، (۲)، ۱۶۲-۱۳۱.
- گاردنر، هوارد (۱۳۹۳). هوش چندگانه گاردنر. ترجمه حمیدرضا بلوچ. تهران: آسمان نیلگون.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). روش در روش (درباره ساخت معرفت در علوم انسانی). تهران: جامعه‌شناسان.
- Acar, Z. & Kaya, S. (2024). Identifying Psychological and Contextual Factors Influencing Teenagers' Future Orientation. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies*, 5(4), 158-166.
- Addis, D. R., Wong, A. T. & Schacter, D. L. (2008). Age-related changes in the episodic simulation of future events. *Psychological Science*, 19, 33-41.
- Anderman, Eric M., Anderman, Lynley H., Griesinger, Tripp (1999). The Relation of Present and Possible Academic Selves during Early Adolescence to Grade Point Average and Achievement Goals. *The Elementary School Journal*, 100(1), 3-17.
- Arinata, Z. (2023). *The Implementation Ini Genting on Adolescent Use Promoting Stunting in Batang Regency*.
- Aspinwall. L. G. (2006). The Psychology of Future-Oriented Thinking From Achievement to Proactive Coping, Adaptation, and Aging. *Motivation and Emotion*, 29(4), 203-235.
- Association of Bible. Colleges Member Instutions. A Dissertation Doctor.
- Atance, C. M. & O'Neill, D. K. (2001). Episodic future thinking. *Trends in Cognitive Sciences*, 5, 533-539.
- Bandura, A. (1982). Self-efficacy mechanism in human agency. *American Psychologist*, 37, 122-147.
- Beck, A. T., Weissman, A., Lester, D. & Trexler, L. (1974). The measurement of pessimism: The Hopelessness Scale. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 42, 861-865.
- Bélanger, M. J. , Atance, C. M., Varghese, A. L. , Nguyen, V. & Vendetti, C. (2014). What will I like best when I'm all grown up? Preschoolers' understanding of future preferences. *Child Development*, 85, 2419-2431.
- Boyer, P. (2008). Evolutionary economics of mental time travel? *Trends in Cognitive Sciences*, 12, 219-224.
- Buckner, R. L. & Carroll, D. C. (2007). Self-projection and the brain. *Trends in Cognitive Sciences*, 11, 49-57.
- Busby, J. & Suddendorf, T. (2005). Making decisions with the future in mind: Developmental and comparative identification of mental time travel. *Learning & Motivation*, 36, 110-125.
- Carver, C. S. & Scheier, M. F. (1990). Principles of self-regulation: Action and emotion. In R. M. Sorrentino & E. T. Higgins (Eds.), *Handbook of motivation and cognition: Foundations of social behavior* (Vol. 2, p. 3-52). New York: Guilford Press.

- Carver, C. S. & Scheier, M. F. (Eds) (1998). *On the self-regulation of behavior*. New York:CambridgeUniversity Press.
- Creswell, J. W. (2007). *Qualitative Inquiry & Reasearch Design*, Second Edition, California:Sage Publication Ltd.
- D. (1987). *A Studies of Faculty Development Programs in American*.
- D'Argembeau A. & Mathy, A. (2011). Tracking the construction of episodic future thoughts. *Journal of Experimental Psychology*. 140, 258-271.
- D'Argembeau, A., ORTOLEVA, C., JUMENTIER, S. & VAN DER LINDEN, M. (2010), Component processes underlying future thinking. *Memory & Cognition*, 38(6), 809-819.
- Du, J. (2024). A Study on the Impact of Douyin on the Adolescent's Self-Shaping. *Communications in Humanities Research*, 26(1), 102-106.
- Fortunato, V. J. & Furey, J. T. (2011). The theory of MindTime:The relationships between future, past, and present thinking and psychological well-being and distress. *Personality and Individual Differences*, 50(1), 20-24.
- Frank, L. K. (1939). Time perspectives. *Journal of Social Philosophy*, 4, 293-312.
- Frederick, S. (2003). Time preference and personal identity. In G. Loewenstein, D. Read, & R. Baumeister (Eds), *Time and decision: Economic and psychological perspectives on intertemporal choice* (p. 89-113). New York, NY: Russell Sage Foundation.
- Gott, C. & Lah, S. (2014). Episodic future thinking in children compared to adolescents. *Child Neuropsychology*, 20(5), 625-640.
- Gray, H. F. (2024). How India Can Support Teenage Girls' Mental Wellbeing via Inclusion of Park Planning Through Digital Engagement. *The Journal of Public Space*, 9(2), 129-146.
- Hallford, D. J. & D'Argembeau, A. (2022). Why we imagine our future: Introducing the functions of future thinking scale (FoFTS). *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 44(3), 376-395.
- Israeli, N. (1930). Some aspects of the social psychology of futurism. *Journal of Abnormaland Social Psychology*, 25, 121-132.
- Israeli, N. (1936a). The psychology of prediction: Judgments relating of the past and future. *Psychological Exchange*, 4, 129-132.
- Israeli, N. (1936b). *Abnormal personality and time*. New York, NY: R.M. McBride & Co. Pu.
- Johnson, S. R., Blum, R. W. & Cheng, T. L. (2014). Future orientation: a construct with implications for adolescent health and wellbeing. *International journal of adolescent medicine and health*, 26(4), 459-468.
- Lewin, K. (1939). Field theory and experiment in social psychology. *American Journal of Sociology*, 44, 868-896.
- Lewin, K. (1942/1948). *Time perspective and morale*. In K. Lewin (Ed.), *Resolving social*
- LYU, Houchao & Huang, Xiting. (2016). *Development and validation of Future Time Perspective Scale for Adolescents and Young Adults*. Time & Society. 25.
- Mahy, C. E., Moses, L. J. & Kliegel, M. (2014). The development of prospective memory in children:An exective framework. *Developmental Review*, 34, 305-326.
- Manzanilla, F. E., Escultura, F. N., Buquid, M. A. T. & Cabreros, M. R. Q. (2024). Driving Factors and Challenges of Adolescents in Teenage Pregnancy. *Jhes*, 1(2), 20-32.

- Mazachowsky, T. R. & Mahy, C. E. V. (2020). Constructing the Children's Future Thinking Questionnaire: A reliable and valid measure of children's future-oriented cognition, *Developmental Psychology*, 56(4), 756-772.
- Moffitt, T. E., Arseneault, L., Belsky, D., Dickson, N., Hancox, R. J., Harrington, H., Caspi, A. (2011). A gradient of childhood self-control predicts health, wealth, and public safety. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, 108, 2693-2698.
- Nurfazriah, I., Nurhayati, A., Irianti, S., Suriani, S. & Mathofani, P. E. (2024). The Effect of Education With the Adolescent Reproductive Health Module on Increasing Peer Counselors' Knowledge About Family Life Planning in Pelamunan Village. *Ajesh*, 3(2), 246-255.
- Nurmi, J. (1991). How do adolescents see their future? A review of the development of future orientation and planning. *Developmental Review*, 11(1), 1-59.
- Nurmi, Jari-Erik (1989). Development of Orientation to the Future during Early Adolescence: A Four-Year Longitudinal Study and Two Cross-Sectional Comparisons. *International Journal of Psychology*. 24(1-5), 195-214.
- O'Keefe, Victoria M.; Wingate, Laricka R. (2013). The Role of Hope and Optimism in Suicide Risk for American Indians/Alaska Natives. *Suicide and Life-Threatening Behavior*. 43(6), 621-33.
- Osvath, O. & Martin-Ordas, G. (2014). The future of future-oriented cognition in non-humans: theory and the empirical case of the great apes. *Philosophical Transactions of The Royal Society B Biological Sciences*, 369(1655), 1-8.
- Peterson, C. & Seligman, M. E. P. (2004). *Character strengths and virtues: A handbook and classification*. Oxford University Press; American Psychological Association.
- Robbins, Reuben N.; Bryan, Angela (2004). Relationships Between Future Orientation, Impulsive Sensation Seeking, and Risk Behavior among Adjudicated Adolescents. *Journal of Adolescent Research*. 19(4):428-445.
- Safta, C. G. & Suditu, M. (2024). Responsible Decision-Making in Teenagers - A Prerequisite for Career Success. *Journal of Educational Sciences & Psychology*, 14(76) (1), 28-33.
- Schacter, D. L., Addis, D. R. & Buckner, R. L. (2008). Episodic simulation of future events: Concepts, data, and applications. In A. Kingstone & M. B. Miller (Eds.), *The year in cognitive neuroscience 2008* (Annals of the New York Academy of Sciences, Vol. 1124, p. 39-60). New York: New York Academy of Sciences.
- Seftina, D., Aji, R. I. & Nisa, D. A. (2024). Character Design for Educational Illustration Books in Knowing Visual Communication Design. *Journal of Visual Communication Design*, 9(2), 227-244.
- Seginer, R. (2023). Future orientation: Where there is a will there is a way. In S. Mozes & M. Israelashvili (Eds.), *Youth without family to lean on: Global challenges and local interventions* (p. 59-74). Routledge.
- Seginer, Rachel (2000). Defensive Pessimism and Optimism Correlates of Adolescent Future Orientation: A Domain-Specific Analysis. *Journal of Adolescent Research*. 15(3), 307-326.
- Seginer, Rachel (2005). Adolescent Future Orientation: Intergenerational Transmission and Intertwining Tactics in Cultural and Family Settings. In Friedlmeier, Wolfgang; Chakkarath, Pradeep; Schwarz, Beate (eds.). *Culture and Human Development: The Importance of Cross-Cultural Research for the Social Sciences*. Hoboken: Taylor & Francis.

- Seginer, Rachel (2009). *Future orientation: Developmental and ecological perspectives*. New York: Springer.
- Silva, F. A. d. , Lima, D. D., Quaresma, M., Luis Felipe da Silva, M. , Suignard, J. L. S., Vieira, L. B. M., Amorim, M. F. P., & Andrade, A. C. (2024). Conscious Adolescence. *Health and Society*, 4(04), 31-51.
- Silverman, D. (2005). *Doing Qualitative Research*. London: Sage Publication.
- Steel, P. Schmidt, J. & Shultz, J. (2008). Refining the Relationship between.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Newbury Park, CA: Sage Publications.
- Suddendorf, T. & Corballis, M. C. (1997). Mental time travel and the evolution of the human mind. *Genetic, Social, & General Psychology Monographs*, 123, 133-167.
- Suhendar, S., Widodo, A., Solihat, R., & Riandi, R. (2025). Students' future thinking skills: Implications for school education programs. *Journal of Pedagogical Research*, 9(1), 254-273.
- Szpunar, K. K. (2010). Episodic future thought: An emerging concept. *Perspectives on Psychological Science*, 5, 142-162 .

